

سوالات تکمیلی همراه با سوالات کنکور درس ششم فلسفه 1	
تهیه و تنظیم: لیلا شادمهری	"امکان شناخت"
<p>دو قانون برای دستیابی به چیزی برایت کافی است: اول: تمام تلاشت را بکن. دوم: به بهترین شکل تلاش کن</p>	
1	انسان از چه طریق با اشیاء و پدیده های اطراف خود ارتباط برقرار می کند؟
2	این که با عمل آموختن و یادگیری در مسیر شناخت پیش می رویم یعنی
3	این عبارت که «معلوم است ما از خود و جهان پیرامون، شناختی داریم» به کدام یک از حیطه های معرفت شناسی مربوط می شود؟ سراسری 99 الف: ابزارهای شناخت ب: ماهیت شناخت ج: قلمرو شناخت د: امکان شناخت
4	«اندیشیدن درباره امور غیر محسوس علاوه بر امور محسوس» و اینکه «ما شناختی از پیرامون خود داریم» به ترتیب بیانگر..... الف: امکان شناخت - قلمرو شناخت ب: امکان شناخت - ماهیت شناخت ج: قلمرو شناخت - امکان شناخت د: قلمرو شناخت - ماهیت شناخت
5	مقصود از این جمله چیست؟ «انسان علی رغم گستردگی شناخت و فهم از جهان خود، شناختش در مجموع محدود است»؟
6	این واقعیت که «حقایق فراوانی در عالم هست که آن ها را نمی دانیم و نمی شناسیم» به کدام یک از حیطه های معرفت شناسی مربوط می شود. خارج از کشور 99 الف: ابزارهای شناخت ب: ماهیت شناخت ج: امکان شناخت د: قلمرو شناخت
7	شناخت آدمی به هیچ وجه یک امر نیست. الف: کامل ب: تدریجی ج: بدیهی د: محدود
8	استدلال و تلاش برای مجاب کردن طرف مقابل درباره موضوعی خاص نشانه چیست؟
9	اختلاف نظر افراد مختلف درباره موضوع یکسان نشانه چیست؟
10	ویژگی های شناخت را بنویسید و توضیح دهید.
11	با تامل درباره مسائل مربوط به شناخت پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما مطرح می شود سه نمونه از این پرسشها را بنویسید.
12	معرفت شناسی چیست؟ الف: شناخت خود پدیده ب: شناخت خود شناخت ج: خود پدیده شناخت د: بی نیاز از تعریف است
13	دانش معرفت شناسی چگونه شکل گرفت؟
14 بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می پردازد و جزئی از فلسفه بوده است. الف: نظریه معرفت - در گذشته ب: معرفت شناسی - همیشه ج: نظریه معرفت - در یونان باستان د: معرفت شناسی - در گذشته
15	«طرح برخی مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی» و «تبدیل به شاخه مستقلی از فلسفه» به ترتیب مربوط به چه زمانی از تاریخچه معرفت شناسی است. الف: در گذشته - امروزه ب: همیشه - امروزه ج: امروزه - در گذشته د: امروزه - همیشه

16	موضوع معرفت شناسی چیست؟
17	دلیل تبدیل شدن معرفت شناسی به یک شاخه مستقل چیست؟ و نام دیگر آن چیست؟ الف: طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون - نظریه معرفت ب: نامرتبط بودن مباحث معرفت شناسی با مباحث فلسفه - نظریه معرفت
18	توجه ویژه کدام فیلسوف قرن 18 باعث رشد بیشتر شاخه معرفت شناسی شده است؟
19	منظور از «بديهی بودن معنای معرفت» است و انکار امکان معرفت..... الف: بی نیازی از تعریف - هیچ گاه مطرح نشده است ج: بی نیازی از تعریف - گاهی مطرح شده است ب: خطاناپذیر بودن آن - هیچ گاه مطرح نشده است د: خطاناپذیر بودن آن - گاهی مطرح شده است
20	در بحث معرفت شناسی چه اموری برای انسان بديهی و روشن است؟
21	بديهی بودن امکان معرفت برای انسان را با یک مثال توضیح دهید.
22	تلاش ما برای پاسخ دادن به همین سوالی که در حال خواندنش هستیم نشان می دهد که الف: امکان خطا در انسان وجود دارد ج: برای شناختن محدودیت وجود دارد ب: امکان شناخت امری بديهی است د: علم و دانش بشر در حال پیشرفت است.
23	چرا سوفیست ها معتقد بودند نمی توان به علمی که مطابق با واقعیت باشد دست یافت؟
24	دیدگاه گرگیاس را در رابطه با امکان معرفت بنویسید.
25	دیدگاه گرگیاس درباره شناخت، کدام مسئله را مستقیم انکار می کند؟ الف: معنای شناخت ب: بديهی بودن شناخت ج: قلمرو شناخت د: امکان شناخت
26	کدام عبارت درست است؟ خارج از کشور 400 الف: گسترده گی شناخت و فهم ما از جهان، نشان می دهد که توانایی شناخت ما حدی ندارد ب: کسی که توانایی شناخت برخی امور را مطلقا منفی بداند، امکان شناخت را منکر است ج: با پیشرفت های حیرت آور بشر در سده های اخیر، همه دانش های گذشته زیر سوال رفته اند د: کسی که معتقد است حقیقت غیر قابل شناخت است، ناخواسته وجود یک حقیقت را اثبات می کند
27	وقتی انسان در پاسخ به این سوال که «آیا می توانیم به همه اسرار مغز پی ببریم؟»، دچار شک شود، آیا این شک در اصل امکان شناخت است؟ توضیح دهید.
28	با بیان کدام یک از عبارت های زیر فرد دچار تناقض شده است سراسری 400 الف: هیچ کس نیست که بتواند آنچه را خودش فهمیده، به دیگری منتقل کند ب: هیچ کس نیست که بتواند واقعیت داشتن یا واقعیت نداشتن جهان را با علم اثبات کند ج: هیچ یک از شناخت هایی که تا کنون در باره ساختار جهان به دست آورده ایم، عین واقعیت نیست د: حواس ما کم و بیش دچار خطا می شود، بنابراین هیچ یک از یافته های حواس قابل اعتماد نیست
29	چرا عبارت «هیچ چیز را نمی توان شناخت» عبارتی خود متناقض است. الف: زیرا گوینده دست کم در این مورد که هیچ چیز را نمی شود شناخت، به شناخت رسیده ب: چون هر انسانی در نهایت یک چیزهایی را می تواند بشناسد و هیچگاه به شکاکیت مطلق نمی رسد.

30	این که کسی بگوید: «شناخت به هیچ وجه ممکن نیست» مثل این است که... الف: دروغگوی محض بگوید: «من دروغگو هستم» ج: شکاک بگوید: «نمی شود امور غیرمادی را شناخت» ب: راستگوی محض بگوید: «من راستگو هستم» د: فیلسوف بگوید: «حقیقت را نمی دانم»
31	اگر کسی بگوید: «نمی توان خدا را شناخت» قطعاً... الف: اصل شناخت را زیر سوال برده است ج: دچار شکاکیت مطلق شده است ب: شناخت امر نامحسوس را ناممکن می داند د: به ماوراءالطبیعة معتقد نیست.
32	شک در چه چیزی به معنای گرفتاری در تناقض است؟
33	بهترین دلیل برای توانایی شناخت بشر چیست؟ الف: قدرت عقل ادمی ب: پیشرفت علمی ج: وجود حقیقت د: وجود باورهای درست
34	افزایش پیوسته علم توسط انسان نشانه چیست؟
35	دانش بشر به چند صورت پیشرفت می کند و کامل تر می شود؟

سربلند باشید

<p>پاسخنامه سؤالات تکمیلی همراه با سؤالات کنکور درس ششم فلسفه 1</p> <p>تهیه و تنظیم: لیلا شادمهری</p>	<p>"امکان شناخت"</p>
<p>دو قانون برای دستیابی به چیزی برایت کافی است: اول: تمام تلاشت را بکن. دوم: به بهترین شکل تلاش کن</p>	
<p>1 انسان از چه طریق با اشیاء و پدیده های اطراف خود ارتباط برقرار می کند؟ از طریق شناخت.</p>	
<p>2 این که با عمل آموختن و یادگیری در مسیر شناخت پیش می رویم یعنی شناخت ما به تدریج افزایش می یابد</p>	
<p>3 این عبارت که «معلوم است ما از خود و جهان پیرامون، شناختی داریم» به کدام یک از حیطه های معرفت شناسی مربوط می شود؟ سراسری 99 الف: ابزارهای شناخت ب: ماهیت شناخت ج: قلمرو شناخت د: امکان شناخت* اینکه ما از پدیده های پیرامون شناختی داریم یعنی شناخت امری ممکن است لذا به امکان شناخت اشاره دارد</p>	
<p>4 «اندیشیدن درباره امور غیر محسوس علاوه بر امور محسوس» و اینکه «ما شناختی از پیرامون خود داریم» به ترتیب بیانگر..... الف: امکان شناخت - قلمرو شناخت ب: امکان شناخت - ماهیت شناخت ج: قلمرو شناخت - امکان شناخت* د: قلمرو شناخت - ماهیت شناخت</p>	
<p>5 مقصود از این جمله چیست؟ «انسان علی رغم گستردگی شناخت و فهم از جهان خود، شناختش در مجموع محدود است»؟ یعنی ما آگاهی که در کنار دانسته ها و آموخته ها، حقایق فراوان دیگری در عالم هست ، که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم</p>	
<p>6 این واقعیت که «حقایق فراوانی در عالم هست که آن ها را نمی دانیم و نمی شناسیم» به کدام یک از حیطه های معرفت شناسی مربوط می شود. خارج از کشور 99 الف: ابزارهای شناخت ب: ماهیت شناخت ج: امکان شناخت د: قلمرو شناخت* وقتی از این حرف می زنیم که چه چیزهایی را می شناسیم و چه چیزهایی را نمی شناسیم یا نمی توانیم بشناسیم از حد و مرز و قلمرو شناخت حرف می زنیم. به عبارت دیگر: این عبارت بیانگر گستردگی حوزه معرفتی و شناختی انسان است و به قلمرو شناخت اشاره دارد.</p>	
<p>7 شناخت آدمی به هیچ وجه یک امر نیست. الف: کامل* ب: تدریجی ج: بدیهی د: محدود شناخت آدمی امری بدیهی است که به صورت تدریجی پیشرفت می کند اما محدود است و کامل نیست</p>	
<p>8 استدلال و تلاش برای مجاب کردن طرف مقابل درباره موضوعی خاص نشانه چیست؟ اولا: هر دو قبول دارند که یکی از این دو نظر درست است نه هر دو، البته ممکن است هر دو هم اشتباه کرده باشن دوما: هر دو قبول دارند که راهی برای تشخیص درستی یا نادرستی این نظریات هست سوما: هر دو می دانند که می توانند دیدگاه درست را به دیگری منتقل کنند از همه مهمتر اینکه هر دو قبول دارند امکان شناخت برای انسان هست</p>	
<p>9 اختلاف نظر افراد مختلف درباره موضوع یکسان نشانه چیست؟ خطا پذیری شناخت</p>	
<p>10 ویژگی های شناخت را بنویسید و توضیح دهید. الف: تدریجی بودن: شناخت ما به تدریج افزایش می یابد. ما در آغاز تولد چیزی نمی دانستیم بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم یعنی با آموختن و یادگیری در مسیر شناخت پیش می رویم. ب: محدود بودن شناخت: هر چه قدر علم و دانش انسان بیشتر شود باز هم حقایق فراوانی در عالم هست که آن ها را نمی دانیم و نمی شناسیم. ج: خطا پذیری: گاهی شناخت ما نادرست است</p>	
<p>11 با تامل درباره مسائل مربوط به شناخت پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما مطرح می شود سه نمونه از این پرسشها را بنویسید. 1- شناخت چیست؟ 2- آیا شناخت اساسا ممکن است؟ 3- شناخت های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟ 4- راه های شناخت کدامند؟ 5- چرا میان شناخت افراد از یک موضوع تفاوت وجود دارد؟ 6- قلمرو شناخت چیست؟</p>	
<p>12 معرفت شناسی چیست؟ الف: شناخت خود پدیده ب: شناخت خود شناخت* ج: خود پدیده شناخت د: بی نیاز از تعریف است</p>	
<p>13 دانش معرفت شناسی چگونه شکل گرفت؟ تامل درباره مسائل مربوط به شناخت ، به طرح پرسشهای انجامیده ؛ پرسشهایی از این قبیل: شناخت چیست؟ راههای شناخت کدامند؟ شناخت های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟ چرا میان شناخت افراد از یک موضوع تفاوت وجود دارد؟ و پرسش هایی از این قبیل این قبیل پرسشها منجر به شکل گیری دانشی به نام "معرفت شناسی" شده است.</p>	
<p>14 بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می پردازد و جزئی از فلسفه بوده است. الف: نظریه معرفت - در گذشته ب: معرفت شناسی - همیشه* ج: نظریه معرفت - در یونان باستان د: معرفت شناسی - در گذشته قسمت اول هر چهار مورد درست است (معرفت شناسی = نظریه معرفت) همیشه جزئی از فلسفه بوده است.</p>	

15	«طرح برخی مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی» و «تبدیل به شاخه مستقلی از فلسفه» به ترتیب مربوط به چه زمانی از تاریخچه معرفت شناسی است. الف: در گذشته - امروزه* ب: همیشه - امروزه ج: امروزه - در گذشته د: امروزه - همیشه
16	موضوع معرفت شناسی چیست؟ پرداختن به خود پدیده شناخت و پاسخ دادن به پرسشهایی که درباره شناخت مطرح است
17	دلیل تبدیل شدن معرفت شناسی به یک شاخه مستقل چیست؟ و نام دیگر آن چیست؟ الف: طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون - نظریه معرفت* ب: نامرتب بودن مباحث معرفت شناسی با مباحث فلسفه - نظریه معرفت
18	توجه ویژه کدام فیلسوف قرن 18 باعث رشد بیشتر شاخه معرفت شناسی شده است؟ کانت
19	منظور از «بدیهی بودن معنای معرفت» است و انکار امکان معرفت..... الف: بی نیازی از تعریف - هیچ گاه مطرح نشده است ب: خطاناپذیر بودن آن - هیچ گاه مطرح نشده است ج: بی نیازی از تعریف - گاهی مطرح شده است* د: خطاناپذیر بودن آن - گاهی مطرح شده است معنای معرفت چنان بدیهی و روشن است که نیازی به تعریف ندارد و اگر هم ابهامی از جهت کلمه و لغت برای کسی وجود داشته باشد می توان با بیان یک معادل یا مترادف رفع ابهام کرد مثلا می گویم معرفت همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است.
20	در بحث معرفت شناسی چه اموری برای انسان بدیهی و روشن است؟ هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به معرفت
21	بدیهی بودن امکان معرفت برای انسان را با یک مثال توضیح دهید. همین که با طرف مقابل خود صحبت می کنیم، یا لیوان آبی را بر می داریم و می نوشیم، از عمل کسی خوشحال یا ناراحت می شویم گویای آن است که به امکان شناخت خود پی برده ایم.
22	تلاش ما برای پاسخ دادن به همین سوالی که در حال خواندنش هستیم نشان می دهد که الف: امکان خطا در انسان وجود دارد ب: امکان شناخت امری بدیهی است* ج: برای شناختن محدودیت وجود دارد د: علم و دانش بشر در حال پیشرفت است.
23	چرا سوفیست ها معتقد بودند نمی توان به علمی که مطابق با واقعیت باشد دست یافت؟ به علت استفاده از مغالطه های مختلف در محاکم قضایی در جهت حق جلوه دادن هر باطلی
24	دیدگاه گرگیاس را در رابطه با امکان معرفت بنویسید. اولا چیزی وجود ندارد. ثانیا اگر چیزی وجود داشته باشد قابل شناختن نیست و انسان ابزار شناختن آن را ندارد ثالثا اگر برای انسان قابل شناختن باشد، نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل کند.
25	دیدگاه گرگیاس درباره شناخت، کدام مسئله را مستقیم انکار می کند؟ الف: معنای شناخت ب: بدیهی بودن شناخت ج: قلمرو شناخت د: امکان شناخت*
26	کدام عبارت درست است؟ خارج از کشور 400 الف: گستردگی شناخت و فهم ما از جهان، نشان می دهد که توانایی شناخت ما حدی ندارد ب: کسی که توانایی شناخت برخی امور را مطلقا منفی بداند، امکان شناخت را منکر است ج: با پیشرفت های حیرت آور بشر در سده های اخیر، همه دانش های گذشته زیر سوال رفته اند د: کسی که معتقد است حقیقت غیر قابل شناخت است، ناخواسته وجود یک حقیقت را اثبات می کند* درست است که شناخت انسان گسترده است اما این به معنای نداشتن حد نیست (حذف الف) منتفی دانستن توانایی شناخت برخی امور به معنای انکار امکان شناخت نیست (حذف ب) با پیشرفت علوم برخی دانش های گذشته زیر سوال رفته نه همه آن ها (حذف ج)
27	وقتی انسان در پاسخ به این سوال که «آیا می توانیم به همه اسرار مغز پی ببریم؟» دچار شک شود، آیا این شک در اصل امکان شناخت است؟ توضیح دهید. خیر، زیرا شک در اصل امکان شناخت امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد گرفتار تناقض شده و همین نظر او با شکاکیت مطلق سازگار نیست.
28	با بیان کدام یک از عبارت های زیر فرد دچار تناقض شده است سراسری 400 الف: هیچ کس نیست که بتواند آنچه را خودش فهمیده، به دیگری منتقل کند* ب: هیچ کس نیست که بتواند واقعیت داشتن یا واقعیت نداشتن جهان را با علم اثبات کند ج: هیچ یک از شناخت هایی که تا کنون در باره ساختار جهان به دست آورده ایم، عین واقعیت نیست د: حواس ما کم و بیش دچار خطا می شود، بنابراین هیچ یک از یافته های حواس قابل اعتماد نیست عبارتی صحیح خواهد بود که محتوای خودش، نقض کننده خودش باشد در گزینه الف شخص مدعی است که نمی تواند کسی انتقال دهنده فهمیده هایش باشد و حال آنکه خود عبارت مطرح شده، یک انتقال دانش محسوب می شود.

29	چرا عبارت «هیچ چیز را نمی توان شناخت» عبارتی خود متناقض است. الف: زیرا گوینده دست کم در این مورد که هیچ چیز را نمی شود شناخت، به شناخت رسیده* ب: چون هر انسانی در نهایت یک چیزهایی را می تواند بشناسد و هیچگاه به شکاکیت مطلق نمی رسد.
30	این که کسی بگوید: «شناخت به هیچ وجه ممکن نیست» مثل این است که... الف: دروغگوی محض بگوید: «من دروغگو هستم»* ج: شکاک بگوید: «نمی شود امور غیرمادی را شناخت» ب: راستگوی محض بگوید: «من راستگو هستم» د: فیلسوف بگوید: «حقیقت را نمی دانم»
31	اگر کسی بگوید: «نمی توان خدا را شناخت» قطعاً..... الف: اصل شناخت را زیر سوال برده است ج: دچار شکاکیت مطلق شده است ب: شناخت امر نامحسوس را ناممکن می داند* د: به ماوراءالطبیعة معتقد نیست. چنین فردی شناخت یک امر نامحسوس را انکار کرده نه اصل شناخت را
32	شک در چه چیزی به معنای گرفتاری در تناقض است؟ شک در اصل دانستن و همه دانسته ها بنابراین شکاکیت مطلق وجود ندارد و اگر کسی چنین نظری بدهد گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست چرا که ادعا کرده به عدم امکان شناخت، شناخت دارد.
33	بهترین دلیل برای توانایی شناخت بشر چیست؟ الف: قدرت عقل ادمی ب: پیشرفت علمی* ج: وجود حقیقت د: وجود باورهای درست
34	افزایش پیوسته علم توسط انسان نشانه چیست؟ توانایی بشر برای رسیدن به شناخت و معرفت
35	دانش بشر به چند صورت پیشرفت می کند و کامل تر می شود؟ 1- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید 2- پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح ان ها

سربلند باشید